

بازسازی آموزش و پرورش با ویدیو

ترجمه: وحید عطاران

اشاره

«آکادمی خان» مؤسسه‌ای آموزشی است که سلمان خان استاد آمریکایی - بنگلادشی تبار در سال ۲۰۰۶ تأسیس کرد. این مؤسسه وبگاهی دارد با هزاران منبع آموزشی، بیش از ۱۰۰ موضوع و ۶۰۰۰ سخنرانی کوتاه آموزشی به صورت ویدیو که در «یوتیوب» ذخیره شده است. تمام منابع آموزشی رایگان هستند و هر کس از هر جای جهان به آن دسترسی دارد. تا سال ۲۰۱۳، حدود ۱۰ میلیون نفر در هر ماه از این سایت استفاده کرده‌اند. ویدیوهای خان نیز بالغ بر ۴۶۸ میلیون بار دیده شده‌اند. نوشته حاضر بخشی از سخنرانی سلمان خان در سال ۲۰۱۱ در مؤسسه «تد»^۲ است. خبر این آکادمی سال پیش نیز در نشریه چاپ شده بود، و اکنون به مناسبت بحث نشریه، دوباره آن را معرفی می‌کنیم.



بدهند؛ بی آنکه حس کنند وقتش را تلف می‌کنند. اگر آن‌ها قسمتی از درس را فراموش می‌کردند و خجالت می‌کشیدند دوباره سؤال کنند، به راحتی می‌توانستند به تماشای ویدیوهای من در یوتیوب بنشینند و اگر احساس خستگی می‌کردند، می‌توانستند هروقت که علاقه دارند به تماشای ویدیوها بپردازند. بعدها تمام ویدیوها را در دسترس همگان قرار دادم. این باعث شد مردم از هر جای جهان ویدیوهای مرا ببینند و نظرات خود را درباره آن‌ها بیان کنند. یکی از نظراتی که توجه مرا جلب کرد، این بود: «ولین بار است که من با اشتیاق و ذوق به حل تمرین می‌پردازم.» اگر به بقیه نظرات هم توجه کنید، می‌بینید که اغلب افراد همین نظر را داده‌اند. آن روز در واقع یکی از بهترین روزهای زندگی من بود و حس و حال بسیار خوبی داشتم. بازخوردهای زیادی دریافت کردم که نشان از مفید بودن این ویدیوها برای بیننده‌ها داشت. در یکی از بازخوردها ذکر شده بود: «پسر دوازده ساله من همیشه در ریاضیات با سختی و مشکل مواجه بود. همه کاری برای رفع این مشکل انجام دادیم و همه آنچه را که نیاز بود، تهیه کردیم، اما این مشکل همچنان باقی بود تا اینکه با ویدیوهای شما آشنا شدیم و بیشتر مشکلات پسر ما در ریاضیات حل شد.»

باورتان می‌شود؟ من فقط یک تحلیلگر بورس بودم و واقعاً برایم عجیب بود که توانسته‌ام کاری برای راحتی مردم انجام دهم. اما در عین حال، به پیگیری این روش بسیار مصمم بودم و تصمیم به ادامه کار گرفتم. به این فکر کردم که این روش نه فقط به اقوام من، بلکه به کسانی که به من نامه می‌نویسند و حتی فرزندان و فرزندان آن‌ها هم کمک می‌کند. این روش هیچ‌وقت کهنه نمی‌شود. اگر به فرض نیوتن این کار را در زمان خود انجام داده بود، دیگر نیازی نبود من آن را دوباره انجام دهم.

در ابتدای ابداع این روش با خودم می‌گفتم: خوب، این روش می‌تواند ابزار خوبی باشد برای دانش‌آموزانی که به یادگیری در خانه نیاز دارند یا کسانی که انگیزه بیشتر برای یادگیری دارند. اما هیچ‌وقت تصور نمی‌کردم که بتواند در کلاس‌های درس متداول تأثیرگذار باشد. نامه‌های متفاوتی از معلمان دریافت می‌کنم مبنی بر اینکه ویدیوها باعث شده‌اند کلاس‌های ما به «کلاس معکوس» تبدیل شوند. شما مثل یک استاد در کلاس‌ها حضور دارید و ما تقریباً نمی‌دانیم وظیفه ما در کلاس چیست. من فقط مثل یک معلم در کنار دانش‌آموزانی حضور دارم که در حال انجام تکالیف خود هستند و هم‌اکنون دانش‌آموزانی دارم که این تکالیف را در کلاس انجام می‌دهند. در این روش چند نکته جالب وجود دارد:

حدود پنج سال پیش تحلیلگر بورس در «بوستون» بودم. در کنار آن، از راه دور به تعدادی از اقوام در «نیوآورلئان» تدریس خصوصی می‌کردم. طی این مدت ویدیوهای من از تدریس خصوصی خودم را در یوتیوب به اشتراک گذاشتم. به محض اشتراک‌گذاری اولین ویدیو، اتفاق جالبی افتاد. اولین بازخورد از طریق اقوام بود. آن‌ها گفتند ترجیح می‌دهند که به جای دیدار رودررو، در یوتیوب مرا ملاقات کنند. ابتدا ممکن است این حرف بی‌معنی به نظر بیاید، اما اگر از دید آن‌ها به این موضوع نگاه کنید، می‌فهمید که این حرف بی‌ربط هم نیست. آن‌ها ترجیح می‌دادند معلم خصوصی‌شان به‌طور خودکار کار کند. معلمی که بتواند هر زمان خواستند، او را به مکث وادارند و دوباره به او گوش

کمی کندترند وقت بدهیم، به وضوح پیشرفت آن‌ها را مشاهده می‌کنیم و همان دانش‌آموزان بی‌استعداد به دانش‌آموزان با استعداد تبدیل می‌شوند. ما بارها و بارها با این موضوع برخورد کرده‌ایم و شاهد آن بوده‌ایم که گذشت زمان باعث تغییرات مفیدی شده است. در روش معمول، بیشتر معلمان وقتشان صرف درس دادن و نمره دادن به دانش‌آموزان می‌شود و شاید تنها پنج درصد از وقتشان را صرف کمک به دانش‌آموز کنند، ولی در این روش تقریباً صد درصد از وقتشان به‌طور مفید صرف می‌شود. تصور کنید این روش برای کسانی مفید است که باید به خانواده خود کمک کنند و نمی‌توانند به مدرسه بروند. آن‌ها از این پس می‌توانند دو ساعت وقت خود را صرف یادگیری کنند و بدون شرمندگی، دوباره آن موضوع را برای

در روشی که ما ارائه می‌کنیم، برای مثال به دانش‌آموزان می‌گوییم، حسابان را به همان روشی یاد بگیرید که چیزهای دیگر را یاد می‌گیرید؛ مثلاً دوچرخه‌سواری! برای آنکه دوچرخه‌سواری را یاد بگیرید، تا وقتی که می‌توانید سوار بر دوچرخه باشید و سعی نکنید از دوچرخه پایین بیایید

تدریس به این روش برای معلمان مزیت‌هایی دارد. دانش‌آموزان می‌توانند مانند اقوام من از یادگیری لذت ببرند. آن‌ها قادر به متوقف کردن و تکرار ویدیو هستند. اما جالب‌ترین مورد زمانی است که ما با حذف یک الگوی واحد در کلاس، به دانش‌آموزان امکان می‌دهیم در زمان مشخصی که خود تنظیم کرده‌اند، یاد بگیرند. بعدها من از شغلم استعفا دادم و سازمانی به نام «آکادمی خان» تأسیس کردم.

در کلاس‌های سنتی، اکثر دانش‌آموزان تکالیف و درس‌های متعددی دارند و بعد از آن باید امتحان بدهند. در امتحان هر دانش‌آموزی نمره ۷۰، ۸۰، ۹۰ یا حتی ۹۵ بگیرد، کلاس شروع به یادگیری موضوع جدیدی می‌کند. به فرض دانش‌آموزی ۹۵ درصد سؤال‌های امتحان را جواب داده باشد، آن پنج درصد باقی‌مانده چه می‌شود؟ شاید کسانی که مسئول بررسی برگه‌های امتحان هستند، جواب سؤالات را نمی‌دانند!

این موضوع درست مثل یادگیری دوچرخه‌سواری است. مثلاً من به شما یک دوچرخه می‌دهم که طی دو هفته طرز استفاده از آن را یاد بگیرید و بعد از دو هفته از شما می‌خواهم که در حضور من سوار دوچرخه شوید. شما توانایی کنترل دوچرخه را به خوبی ندارید و گاه به درستی توقف نمی‌کنید. پس شما ۸۰ درصد دوچرخه‌سوار هستید و می‌گوییم: «این هم یک نمره پایین برای یک دوچرخه‌سوار نابلد و بی‌کفایت!» عجیب به نظر می‌آید اما این کاری است که این روزها در مدرسه‌های ما انجام می‌گیرد و باعث می‌شود یک دانش‌آموز باهوش در امتحانات حسابان و ریاضی نمره قابل قبولی نگیرد. در روشی که ما ارائه می‌کنیم، برای مثال به دانش‌آموزان می‌گوییم، حسابان را به همان روشی یاد بگیرید که چیزهای دیگر را یاد می‌گیرید؛ مثلاً دوچرخه‌سواری! برای آنکه دوچرخه‌سواری را یاد بگیرید، تا وقتی که می‌توانید سوار بر دوچرخه باشید و سعی کنید از دوچرخه پایین نیایید. در روش معمول امکان انجام آزمایش و خطا وجود ندارد، اما ما در این روش شما را به انجام آزمایش‌های متفاوت دعوت می‌کنیم. این روش باعث می‌شود که دانش‌آموزان وقت آزاد بیشتری داشته باشند و کارهایی مثل شبیه‌سازی، یادگیری اطلاعات خارج از درس و مانند این‌ها را انجام دهند. با این روش معلم نباید سؤالاتی از این قبیل بپرسد: کدام قسمت را متوجه نشدید یا چه چیزی یاد گرفتید؟ همیشه در کلاس گروهی از دانش‌آموزان سریع‌تر از بقیه می‌آموزند و گروهی دیگر کندتر. کسانی که روش معمولی را در کلاس اجرا می‌کنند، قطعاً با این موضوع به طرز دیگری برخورد می‌کنند. یک راه آن است که دانش‌آموزان را به دو گروه دانش‌آموزان با استعداد و بی‌استعداد تقسیم می‌کنند و آن‌ها را برای یادگیری به کلاس‌های جدا از هم می‌فرستند. اما وقتی ما به آن دسته از دانش‌آموزانی که



چندمین بار تکرار کنند و یاد بگیرند. این را مقایسه کنید با زمانی که ما آرزو داشتیم دانش‌آموزان در یک کلاس به یکدیگر درس بدهند. به وسیله این سیستم می‌توان تصور کرد که حتی یک دانش‌آموز می‌تواند به فرزند شما درس بدهد. این روشی است که ما روی آن کار می‌کنیم و سعی داریم آن را در مناطق گوناگونی گسترش دهیم.

* بی‌نوشت

1. Youtube
2. Ted